

ابونصر فارابی



ابونصر محمد فرزند محمد مشهور به فارابی فیلسوف بزرگ تاجیک تبار سرزمین ایران بزرگ ، در نیمه دوم قرن سوم و نیمه اول قرن چهارم (260 هـ ق / 874 میلادی) در فاراب دنیا آمده و در سال (339 هـ ق / 950 م .) در دمشق وفات نمود .

شهرزوری شمس الدین محمد حکیم قرن 6 و 7 هـ ق . در تاریخ حکما آورده است که پدر فارابی از سرداران سپاه سامانیان و از سلالة فارسی بوده است . فارابی از زادگاهش به بغداد رفت و بعد از آموختن عربی در حلقه درس ابویشرمتی فرزند یونس القنائی (1) (فوت / 329 هـ ق .) حضور یافت ، بعد به تکمیل فلسفه مشغول شد (2).

فارابی همه کتب ارسطو (حدود/ 387 - 322 ق میلادی) ، را بدقت مورد مطالعه و تحقیق قرار داد و بزرگترین شارح فلسفه ارسطو در نزد مسلمانان و مفسر فلسفه افلاطون (حدود 428 - 348 ق . م .) بوده است ، و بدین جهت او را « ارسطوی ثانی » یا « معلم ثانی » نامیدند .

فارابی در دهه اخیر عمر خویش در دمشق و حلب ، بتعلیم و تألیف مشغول بود و بعنوان فیلسوف و دانشمند شهیر مقام با عظمتی را در دربار « سیف الدوله ابوالحسن علی فرزند عبدالله فرزند حمدان التتغلی (333 - 356) » داشت .

مورخان معتقد اند که فارابی فردی زهد پیشه و عزلت گزین و اهل تأمل بود . اعراض او از امور دنیوی به حدی بود که با آن که سیف الدوله برایش از بیت المال حقوق بسیار تعیین کرده بود ، به چهار درهم در روز قناعت می ورزید . فارابی در انواع علوم بی همتا بود . چنانکه درباره هر علمی از علوم زمان خویش کتاب نوشت و از کتابهای وی معلوم می شود که در علوم زبان و ریاضیات و کیمیا و هیات و علوم نظامی و موسیقی و طبیعات و الهیات و علوم مدنی و فقه و منطق دارای مهارت بسیار بوده است .

او در میان فلاسفه شرق تنها کسی است که به تبیین پرابلم های جامعه شناختی پرداخته است . او جامعه را بدو نوع تقسیم میکند :

یکی « مدینه فاضله » که در آن عدالت و سعادت واقعی حکم روا است ، اعضای رهبری چنین جامعه باید دارای جسم و جان نیرو مند ، هوش و زیرکی قدرت بیان ، دانش دوست ، کم شهوت ، عاری از هوس ، بزرگ منش ، بی اعتنا به همه امور دنیوی دوستدار عدالت ، متنفر از ظلم ، نرم مزاج ، شجاع و مدافع حق باشد و نظم و ترتیب و تعاون بین افراد برقرار کند و منافع کل را تأمین نماید .

دیگری « مدینه نازلّه » یا جاهله است که بر اصل سود ورزی ، برتری جوی ، شهرت پرستی ، تقلب و ستمگستری ، لذتگرایی و . و . ، استوار می باشد .

او میگفت : حاصل علم و مقدمه سعادت اخلاق است ، عالمی که از مبانی اخلاقی پیروی نکند از سعادت کمال برخوردار نیست .

آموزش فلسفی و اندیشه های تحلیلی فارابی در مورد جامعه و نظام عادلانه اجتماعی از قرن (17 - 19 میلادی .) ، در اروپا مورد استفاده عظیم قرار گرفته است .

سن سیمون (1675 - 1755 م .) نویسنده و دانشمند فرانسوی ، از طرفداران « مدینه فاضله » بود که وی با اتکا به نظریات فیلسوف تاجیک آریایی نژاد ابونصر فارابی ، شور و هیجان اصلاح طلبی (تورگو آن ربرژاک / 1727 - 1781 م .) اقتصاد دان فرانسه و (کندرسه) را به (اگوست کنت / 1798 - 1857 م .) فیلسوف ریاضی دان فرانسوی منتقل ساخت . و به او تلقین کرد که اجتماع باید مانند امور طبیعی تحت قوانین علمی در آید و هدف اصلی هر فلسفه باید پیشرفت و ترقی سیاسی و اخلاقی بشریت باشد . (3)

فارابی افضل حکما در رویکرد های پژوهشی اش نه تنها علوم را طبقه بندی می کند ، بل علوم اسلامی را نیز در ترتیب و طبقه بندی خود می آورد به تمام علوم صورت منطقی و برهانی میدهد .

فیلسوفان و دانشمندان به این اصل معتقد اند که فارابی بزرگ فلسفه اسلام را نیز اساس گذاشت و مجدد علم برهانی و مؤسس آن در عالم اسلام است . (4)

در باب تدوین سیستم نظریات فلسفی « فارابی » ، او از جمله کسانی است که خواست آراء مختلف را با هم وفق دهد . در این راه بر همه گذشتگان خود نیز سبقت گرفت . و در این اسلوب و گزینش فلسفی تا آن جا پیش رفت که گفت : فلسفه ، یکی بیشتر نیست و حقیقت فلسفی - هر چند مکاتب فلسفی متعدد باشند - متعدد نیست .

فارابی به وحدت فلسفه سخت معتقد بود و برای اثبات آن براهین و ادله بسیاری ذکر کرد و رسائل متعدد نوشت که از آن جمله ، کتاب «الجمع بین رأی الحکیمین افلاطون الالهی و ارسطو» در دست است .

وی معتقد بود که اگر حقیقت فلسفی واحد است ، باید بتوان در میان افکار فلاسفه بزرگ به ویژه افلاطون و ارسطو توافقی پدید آورد . اساساً وقتی غایت و هدف این دو حکیم بزرگ ، بحث درباره حقیقتی یکتا بوده است ، چگونه ممکن است در آراء و افکار ، با هم اختلاف داشته باشند ؟ .

فارابی میان این دو فیلسوف یونانی پاره ای اختلافات یافته بود ، اما معتقد بود که این اختلافات ، اختلافاتی سطحی است و در مورد مسائل اساسی نیست . مخصوصاً آنکه آن ها مبدع و پدیدآورنده فلسفه بوده و همه حکمای بعدی کم و بیش ، به این دو متکی هستند .

مسائلی که به عنوان اختلاف مبانی افلاطون و ارسطو مطرح بود و فارابی در صدد هماهنگ ساختن بین آنها برآمد ، عبارت بودند از :

روش زندگی افلاطون و ارسطو، روش فلسفی افلاطون و ارسطو، نظریه «مثل»
«نظریه معرفت» یا تذکر، موضوع نفس، ثواب و عقاب حدوث و قدم،
نظریه طبع و عادت. (5)

فارابی این فیلسوف توانا و نابغه ملت آریان افزون بر باز شناختی اندیشه
و خطوط فکری «ارسطو» فیلسوف یونان قدیم، نظریات فلسفی و علمی جدید
در عرصه های مهم اخلاق، طبیعیات، منطق از خود به جا گذاشته است.

" غایت و غرض از فلسفه در هنجار بینشی فارابی این نابغه جلیل القدر سرزمین
ما، معرفت خالق است. که عالم را بطریق فیض و اشراق خلق کرد بدین طریق
که نخست عقل اول از او افاضه شد و از عقل اول فلک اعلی و عقل دوم بوجود
آمد و بدین ترتیب عقول افلاک که همه مجرد از ماده اند بوجود گراییدند تا عقل
فعال که سبب وجود نفوس ارضیه و ارکان و صورت و هیولی گردیده است.

بعقیده فارابی نفس ناطقه که از عقل فعال مدد می گیرد حقیقت وجود آدمی است
و بعد از فناى جسم باقى می ماند. نفوس زکیه بعد از فناى جسم بعقل فعال متصل
می گردند و این اتصال بعقل فعال تنها در نتیجه ریاضت نفسانی میسر است
و مقدمه وصول باین کمال تهذیب اخلاق و روح است... یعنی که حاصل علم و
مقدمه سعادت اخلاق است و عالمی که از مبانی اخلاق پیروی نکند از سعادت و
کمال برخوردار نیست... "

فارابی از جهت تفسیر و تعبیر بخش بزرگ آثار ارسطو در فلسفه و منطق او را
نزد مسلمین بزرگترین استاد این فن معرفی کرد. وی بر مجموعه منطقیات
ارسطو (أرغنون) تفسیر ایساغوجی فرفوربوس را بیفزود.

فارابی از خلقیات ارسطو کتاب «ایثیقون نیقوماخس» و در علم النفس، کتاب
النفس الاسکندر الافرودیسی (منسوب به ارسطو) و در مسایل علم السماع
الطبیعی و الآثار العلویة و السماء و العالم و کتاب الحروف ارسطو و المجسطی
بطلیموس را تفسیر کرد و باین ترتیب جای شارحان بزرگ اسکندریه را گرفت
و خاطره آنان را تجدید کرد.

اما فعالیت علمی و تحقیقی این فیلسوف بهمین جا بسنده نکرد بل خود نیز آثار
مهمی از خود بجا گذاشت، و قسمت مهمی از آنها در دست است و بسیاری از
آثارش تاکنون طبع و یا بزبان های مختلف ترجمه شده است.

فارابی را در حدود صد تألیف است. و مهم ترین آنها عبارت اند از:

- 1- رساله فی مبادی آراء اهل المدینة الفاضلة (ترجمه انگلیسی 1959 میلادی،
و بدست «فردریک دیتریسی» در سال 1900 میلادی به آلمانی ترجمه شد.)،
- 2- کتاب فی معانی العقل، ترجمه لاتینی قرون وسطا.
- 3- عیون المسائل،
- 4- فصوص الحکم، (جداکننده های حکمت): این کتاب در مورد حکمت الهی و
شامل 74 بحث در این زمینه و مباحث نفس می باشد.
- 5- رساله فی السیاسة،
- 6- المسائل الفلسفیه،

- 7 - احصاء العلوم ، این کتاب فارابی را : را ژرار دوس کرموننسیس ، ویوحناهیسیپالنسیس ، و دومی نیکوس گوندیسالوی در قرون وسطا به لاتینی ترجمه کرده اند. گوندیسالوی کتاب « مراتب العلوم » فارابی را هم که اصل عربی آن مفقود است به لاتینی در آورد .
 - 8 - الجمع بین رأی الحکیمین افلاطون الالهی و ارسطو - فی اغراض الحکیم فی کل مقالة من الكتاب الموسوم بالحروف معروف به اغراض مابعد الطبیعة (ترجمه آلمانی 1929 میلادی)
 - 9 - رساله فی اثبات المفارقات ،
 - 10 - التوطیة فی المنطق (ترجمه بزبان ترکی 1975 میلادی) ،
 - 11 - کتاب المدخل الی المنطق (ترجمه انگلیسی 1955 میلادی) ،
 - 12 - شرح کتاب ایساغوجی فرفور یوس (ترجمه انگلیسی 1965 میلادی) ،
 - 13 - شرح کتاب المقولات (قاطیغوریاس) ارسطو - (ترجمه انگلیسی 1958 میلادی) ،
 - 14 - تعلیمات آنالوطیقا الاولی ارسطو (ترجمه ترکی و انگلیسی 1958 میلادی) ،
 - 15 - کلام له فی الشعر والقوافی (ترجمه ترکی و انگلیسی 1938 میلادی) ،
 - 16 - کتاب فی الخلاء (ترجمه ترکی و انگلیسی 1951 میلادی) ،
 - 17 - کتاب النکت (میما یصح وما لا یصح من احکام النجوم) ترجمه آلمانی سال 1892 میلادی ،
 - 18 - کتاب فی الواحدة والواحدة (ترجمه انگلیسی)
 - 19 - التنبیه علی سبیل السعادة (ترجمه لاتین قرون وسطا « چاپ زامن » سال 1940 میلادی . ،
 - 20 - فصول المدنی (ترجمه انگلیسی 1961 میلادی)
 - 21 - تلخیص النوامیس افلاطون (ترجمه لاتین 1952 میلادی) ،
 - 22 - سیاسة المدینة (ترجمه انگلیسی سالهای 1904 و 1938 میلادی و ترجمه آلمانی 1927 میلادی) ،
 - 23 - فی تحصیل السعادة (ترجمه انگلیسی 1926 میلادی) ،
 - 24 - فی مایصح وما لا یصح من احکام النجوم ،
 - 25 - فی ماهیت الانسان ،
 - 26 - الدعاوی الفلسفیه ،
 - 27 - الالفاظ الیو نانیة وتقویم سیاسة الملوکیه والاخلاق ،
 - 28 - رساله فی العلم الاعلی ،
 - 29 - تعالیک فی الحکمة ،
 - 30 - کتاب الطبیعیات ،
 - 31 - رساله فی الماهیه والهویه ،
 - 32 - رساله فی علم الفراسة ،
- فارابی فیلسوف ، دانشمند ، سخنور عصر خود با فهم ژرف از فلسفه و علوم مختلفه عهد اش ، روش فلسفی نو افلاطونی اسلامی را ایجاد نمود ، و این همان روشی است که پیش از فارابی بوسیله یعقوب فرزند اسحق کندی (فوت 285 هـ.ق.) شروع شد و بعد از او طرفی در آثار اخوان الصفاء (6) و از طرف دیگر در کتب ابوعلی سینا بلخی بنحوی مدون و مرتب گشت و با افکار و حوائج معنوی مسلمین تطبیق داده شد که میتوان این عهد را دوره تسلط روش مذکور و پابرجا شدن آن بصورت طریقه رسمی و عمومی حکمای اسلامی دانست.

فارابی بزبان های متعددی همچو فارسی ، عربی ، یونانی آشنایی کامل داشته
و در شعر و ادب نیز مهارت داشت . بگونه مثال دو رباعی از او را که در کتاب «
تاریخ ادبیات در ایران» و در لغت نامه « علی اکبر فرزند خان بابا » (1297 -
1375 ه.ق.) مشهور به « دهخدا »

آمده است در اینجا نقل می کنیم :
اسرار وجود خام و نا پخته بماند
و آن گوهر بس شریف ناسفته بماند
هر کس به دلیل عقل چیزی گفتند
آن نکته که اصل بود ناگفته بماند

ای آنکه شما پیر جوان دیدارید
ارزق پوشان این کهن دیوارید
طفلی ز شما در بر ما محبوس است
اورا بخلاص همتی بگمارید (7)

منابع و مأخذ

- 1 - یونس القنائی از مشاهیر مترجمان و دانشمندان اوائل قرن چهارم بود.
و از آثار منقول او کتب ذیل باقی مانده است : ترجمه کتاب الشعر (ابوطیقا) ،
ترجمه انالوطیقای ثانی از ارسطو و ترجمه های متعدد دیگر .
- 2 : فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، جلد 6 ، ص 1288 .
- تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ، جلد اول ، ص 83 ، 358 ، 359
- 3 - تاریخ فلسفه ، مؤلف : ویل دورانت ، ترجمه : دکتر عباس زریاب خویی ،
ج 2 ، ص 482 ، تهران 1350 .
- مقاله راجع به « عقل و مدینه فاضله » ابونصر فارابی : ، تهران ، وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی ، سال 1379 .
- 4 - فارابی مؤسس فلسفه اسلامی ، چاپ سوم ، مؤلف : رضا داوری اردکانی ،
مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تهران 1362 ، ص 63 .
- 5 - تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ، جلد اول ، ص 182 .
- 6 - اخوان الصفاء : در قرن چهارم هجری گروهی باین فکر افتادند که برای نشر
علوم عقلی و نزدیک کردن دین و حکمت به یکدیگر و آگاه کردن عامه از مبانی
حکمت نظری و عملی رسالات مختصر و ساده - بدون ذکر نام مؤلف - بنویسند
و انتشار دهند . این وعده خود را « اخوان الصفاء و خلان الوفاء » مینامیدند
- 7 - منطق و معرفت در نظر غزالی ، مؤلف : دکتر غلام محسین ابراهیمی دینامی
، 75 .
- مجمع الفصحا ، رضا قلی خان هدایت ، ج 1 ، ص 82 - 83 .